

روایتی اختصاصی از هلند و سبک زندگی جالب مردمش، کشوری که ماری جوانا در آن آزاد است

مردمی که عاشق اشانتیون هستند!



ZENDEGI - SALAM

ضمیمه روزنامه خراسان

سه شنبه • اول مرداد ۱۳۹۸
۲۰۱۹ ذی القعدة ۱۴۴۰ • ۲۳ جولای
شماره ۲۰۱۵۳

۱۳۷۶

عاشقان اشانتیون

در ادامه مشاهداتم از کشور هلند می خواهم از اتفاقاتی جالب در زمان حضور در کنفرانسی که برای شرکت در آن به این کشور سفر کرده بودم، بگویم. کنفرانسی بین المللی با موضوع کاتالیست های شیمیایی، تقریباً می توانم بگویم کشوری را سراغ ندارم که نماینده ای در این کنفرانس نداشته باشد. از آمریکا و کشورهای اروپای غربی گرفته تا چین و بنگلادش و هند و سنگاپور؛ حتی از بسیاری کشورهای آفریقایی از جمله آفریقای جنوبی و مصر و کنیا هم استادان و دانشجویان برای شرکت در این همایش آمده بودند. از بخش علمی و روز آزمایی کشورهای مختلف در به رخ کشیدن پیشرفت های خود و سخنرانی های پیچیده برندگان جایزه نوبل که بگذریم؛ بخش های غیر علمی این کنفرانس هم جذابیت های خاص خودش را داشت. یکی از این جذابیت ها فرایند گرفتن هدیه از اسپانسر های نام دار کنفرانس بود. بسیاری از استادان و دانشجویان که بیشتر شان هلندی بودند چرا که این کنفرانس در این کشور برگزار می شد، برای گرفتن هدیه دقایقی را با مسئولان غرفه های مختلف هم کلام می شدند و در نهایت هدیه کوچکی را در کیف خود انداخته و به سراغ غرفه دیگری می رفتند. گاهی تمایل به دریافت هدایای رایگان به حدی بود که افراد قید شرکت در اجتماعات علمی را می زدند و برای گرفتن یک خود کار یا یک لیوان بیشتر در سالن عمومی کنفرانس می ماندند. سپس در پایان هر روز هدایای خود را به هم نشان می دادند و دیگران را به گرفتن مشابه آن تشویق می کردند. استادی را در نظر بگیرید که با لباسی کاملاً رسمی به همراه دانشجویانش و دیگر استادان دانشگاه کشورش در این اجتماع شرکت کرده و با کراواتی شکیل و عینکی ته استکانی و البته بدون خجالت، خود کار ها و لیوان ها و دفترچه های یادداشت را یکی یکی از داخل ساک پلاستیکی که آن هم هدیه یکی از شرکت هاست در می آورد و به دیگران نشان می دهد. البته که زمان خوردن نهار و یا میان وعده هم اوضاع به همین منوال بود و افراد اضافی غذا یا میوه و شیرینی خود و دیگران را بر داشته و خود می بردند. ظاهراً همچنین رفتار هایی در هلند طبیعی بود چون باواکش عجیب و غریب برگزار کنندگان این کنفرانس رو به روی می شد و انگار آن ها توقع دیدن چنین رفتار هایی را داشتند!

جای شهر ها دست به حفر کانال زده اند که در برخی موارد رفت و آمد شان از طریق همین کانال ها و توسط قایق صورت می گیرد. این اولین ویژگی جالب کشور هلند است که چشم هر گردشگری را در سفر به این کشور به خودش خیره خواهد کرد. مقصد سفر من شهر او تر یخت بود که در جنوب آمستردام و در مرکز هلند قرار دارد اما افزون بر او تر یخت از پایتخت این کشور یعنی شهر آمستردام و چندین شهر دیگر که در مسیر این سفر بود نیز باز دید کردم. آن چه در ادامه می خوانید بخشی از مشاهداتم از این کشور و آداب و رسوم جالب مرد آن است.

دکتر مریم ذاکری خبرنگار

پرونده

اواسط تابستان ۲۰۱۵ بود که برای شرکت در یک کنفرانس علمی به کشور هلند سفر کردم. هلند کشوری است در شمال غربی اروپا که شانزده و نیم میلیون نفر جمعیت دارد. مردم این کشور به زبان داچ یا هلندی صحبت می کنند، زبانی پر از واچ های «خ» و «گ» که به نظر تلفظ درست کلمات آن یکی از سخت ترین کار های دنیا ست. بسیاری از زمین های هلند در ارتفاعی هم سطح یا حتی زیر سطح دریا واقع شده اند، از همین رو هلند را در انگلیسی نِدرلند یا سرزمین پست می نامند. مردم این کشور برای مهار آب دریا و رودخانه های بسیار زیاد در جای

در کشور لاله ها خبری از لاله نیست!

تصور اولیه ام از کشور هلند سرزمینی پر از لاله های زیبا و رنگارنگ بود که بارها و بارها در رسانه ها و البته کتاب ها دیده و خوانده بودم اما در تمام یک هفته اقامتم در این کشور حتی یک عدد گل لاله را از نزدیک ندیدم! به جرئت می توانم بگویم تعداد لاله های هلندی که شهر داری مشهد هر سال در پارک ملت می کارد از تعداد نه تنها لاله ها بلکه تمام گل های شهر آمستردام بیشتر است. البته نکته در این است که برای دیدن لاله های این کشور باید فقط در اوایل بهار به منطقه ای به نام «لیزل» بروید و از مزارع انبوه لاله باز دید کنید؛ در غیر از این بازه زمانی و این مکان، نمی توانید از لاله ها و گشت و گذار در بین شان لذت ببرید! بنابراین تصور این که مردم این کشور هر روز، صبحانه یا شام شان را در کنار لاله ها می خوردند و روان شان شاد می شود، همین الان از ذهن تان بیرون کنید! با این حال، نبودن لاله های چیزی از زیبایی بی نظیر شهر های هلند کم نمی کند. معماری در هلند منحصر به فرد است، به جرئت می توان گفت ساختمان های هلندی با ساختمان های کشورهای مجاور مانند آلمان، بلژیک و فرانسه بسیار متفاوت است و هویتی کاملاً مستقل دارند. ساختمان های بلند و چندین طبقه با راه پله هایی باریک که بسیاری از آن ها بیش از ۲۰۰ سال پیش ساخته شده اند. انعکاس این ساختمان های رنگارنگ در آب کانال هایی که از فراموش نشدنی ترین تصاویر از این کشور زیباست.



آمستردام، پایتخت دوچرخه های دنیا



و کانال ها و پل هایی است که عبور یا خود و تقریباً در آن ها غیر ممکن است. از آن طرف جالب است بدانید دوچرخه زدی در این شهر بسیار شایع است، به ویژه دوچرخه گردشگر ها که از مرکز و راستن و قفل کردن دوچرخه شان در این شهر بی خبرند. این نکته ای است که تا به این شهر سفر نکنید و با این مسئله مواجه نشوید، کمتر رسانه ای به آن اشاره می کند! در ضمن و با توجه به تعداد بالای دوچرخه در آمستردام تعمیر کار دوچرخه یکی از پر درآمد ترین مشاغل در این کشور است و کمتر خیابانی در این شهر پیدا می شود که یک مغازه تعمیر دوچرخه نداشته باشد.

فروش حشیش، وسط خیابان!



بالاخره با فرهنگ آن ها آشنا نبودم و احتمال هر خطری را برای خودم متصور بودم. عزمم را جزم کردم و بر گشتم و مستقیم تر چشم های پسر که چشم دو ختم. چیزی به هلندی گفت که متوجه نشدم و به انگلیسی پرسیدم که چه می گوید. این بار به انگلیسی پرسید: "Doyou want weed?". می دانستم که weed به معنای حشیش است اما با خودم فکر کردم حتماً اشتباه شنیده ام و احتمالاً پسر که منظورش wood

مردمی که اندام شان ظریف نیست!

وقتی در ایستگاه مرکزی قطار او تر یخت پیاده شدم، اولین چیزی که توجهم را به خود جلب کرد قد بسیار بلندم در هلند بود. با عبور چند صد کیلومتر از جنوب آلمان به سمت هلند، این اختلاف قد به شدت بر ایم مشهود و مشخص بود. من که باقد ۱۶۰ سانتی متر در کشور خودمان و با کمی ارفاق در جنوب آلمان متوسط محسوب می شدم، در هلند همچون لیلی پوتی ها در سرزمین گالیور بودم! تقریباً تمام زنان هلند که از چهره سفید و نسبتاً بی روح شان قابل تشخیص بودند، یک سر و گردن و چه بسا بیشتر از من بلندتر بودند، به طوری که برای برقراری مکالمه ناگزیر باید سرم را بالا نگه می داشتم. مردم هلند عموماً چهارشانه با پاهایی کشیده و عضلانی هستند و چهره ها و اندام های ظریف کمتر به چشم می خورد.

یا چیز دیگری بوده است. از او پرسیدم که در باره چه حرف می زند، که پسر گفت: "Marijuana, Doyou want?". marijuana هیچ کلمه ای مشابه ماری جوانا به ذهنم نرسید که مثبت اندیشانه منظورش را تفسیر کنم! نمی دانم در من با آن کوله پشتی سنگین و پوست لوله شده کنفرانس در دست چه دیده بود که چنین سوالی می پرسید اما هر چه بود کوله پشتی را دوستی چسبیدم، پوست را روی دوشم انداختم و به سمت خیابان اصلی شروع به دویدن کردم. بعد از چند قدم با وحشت به پشت سرم نگاه کردم دیدم پسر که نه تنها به دنبالم نیامده، بلکه با تعجب سر جایش ایستاده و من را تماشا می کند. بعد ها فهمیدم مصرف ماری جوانا و برخی مواد روان گردان در هلند آزاد است، آن قدر آزاد که در برخی کافه ها و ستوران ها سرو می شود و شما می توانید از منوی مربوطه آن ها را انتخاب کنید. خرید و فروشش در خیابان هم که برای هر فردی با هر سنی مقدور بود و بعد از چند سال، هر وقت آن لحظه را به یاد می آورم باز هم ترس تمام وجودم را می گیرد!

مسلمانان در هلند

یکی دیگر از مواردی که در هلند توجهم را به خود جلب کرد، حضور زنان محجبه در سطح شهر ها بود. حدود یک میلیون نفر از جمعیت شانزده و نیم میلیون نفری هلند را مسلمانان تشکیل می دهند. تفاوت زنان محجبه هلندی با زنان محجبه دیگر شهر های اروپایی مثل پاریس یا برلین این است که شما آن ها را تنها در خیابان ها و در حال خرید و یا رفت و آمد مشاهده نمی کنید بلکه آن ها بخشی از نبروی کار در این کشور محسوب می شوند و مانعی برای اشتغال شان وجود ندارد. بنابراین در بعضی از فروشگاه های آمستردام، فروشنده های محجبه به چشم می خوردند و همین طور در دانشگاه ها یا مدارس مشغول به کار هستند. جالب این که متصدی هتل محل اقامتم در شهر «او تر یخت» دختری محجبه به نام آمنه بود. آمنه سوری الاصل اما متولد هلند بود و پس از پایان تحصیلات متوسطه وارد بازار کار شده بود. آمنه اعتقاد داشت اگر چه وضعیت زنان مسلمان در هلند در باره بقیه کشورهای اروپایی کمی بهتر است اما این شرایط را ق تعیض کامل فاصله دارد. بسیاری از کارفرمایان همچنان ترجیح می دهند زنان غیر محجبه را استخدام کنند. از طرفی شرایط زندگی مسلمانان در هلند با وقایع سیاسی و تاریخی دستخوش تغییر می شود. به عنوان مثال بعد از حملات ۱۱ سپتامبر یا هر اقدام گردشگری گروه هایی مثل القاعده، داعش یا طالبان شرایط زندگی برای آن ها سخت تر می شود. اگر چه هلندی ها در هر حال افراد مودب و محترمی هستند و در هر شرایطی از توهین مستقیم خودداری می کنند، اما تغییر رفتار آن ها در این بازه های زمانی کاملاً مشهود است. از نظر آمنه مشکل دیگر مسلمانان اروپایی به ویژه مسلمانان هلند موج پناهندگی مسلمانان از کشورهای سوریه و عراق یا شمال آفریقا ست. جوامع میزبان هنوز ظرفیت پذیرش این حجم از افراد با فرهنگ و تفکرات متفاوت را ندارد و در تقابل با آن ها گروه های راست افراطی شروع به فعالیت می کنند که این فعالیت ها شرایط را هم برای مسلمانان ساکن و هم مسلمانان تازه وارد دشوار می کند.

